

شناسایی و تحلیل موانع توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های

توسعه روستایی استان زنجان

روح اله رضائی^{۱*}، سید محمود حسینی^۲، مریم محمدی پابندی^۳

تاریخ پذیرش: ۹ اسفند ۱۳۹۳

تاریخ دریافت: ۲۷ دی ۱۳۹۳

چکیده

تحقیق توصیفی-همبستگی حاضر با هدف شناسایی و تحلیل موانع توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های توسعه روستایی استان زنجان صورت پذیرفت. جامعه آماری پژوهش ۳۳۵ نفر از اعضای اصلی هیأت مدیره تعاونی‌های توسعه روستایی در استان زنجان بودند که با توجه به جدول پارتلت تعداد ۱۲۰ نفر از آنان از طریق روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب برای انجام تحقیق انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده گردید. روایی محتوایی پرسشنامه با نظر پانلی از کارشناسان و متخصصان مورد تأیید قرار گرفت. برای تعیین پایایی ابزار تحقیق پیش‌آزمون انجام گرفت که مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده برای مقیاس اصلی پرسشنامه در حد مناسب (بالتر از ۰/۷۵) بود. نتایج آمار توصیفی نشان داد که از نظر پاسخ‌گویان چهار مانع قوانین سخت‌گیرانه بانک‌های دولتی و خصوصی در پرداخت تسهیلات به تعاونی‌ها، نبود سرمایه کافی در تعاونی‌ها و عدم دسترسی آن‌ها به منابع مالی و اعتبارات لازم، ضعف قوانین مرتبط با نیروی کار و نبود بسترهای لازم در تعاونی‌ها برای فعالیت‌های گروهی و تیمی دارای بیشترین اولویت در مقایسه با سایر موانع بودند. همچنین، یافته‌های تحلیل عاملی حاکی از آن بود که ۶۱/۳۸ درصد از واریانس کل موانع توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های توسعه روستایی استان زنجان را شش عامل ساختاری، محیطی، شناختی-دانشی، نبود فرهنگ سازمانی اثربخش، ضعف حمایتی و فردی تبیین می‌نمایند.

واژه‌های کلیدی: کارآفرینی سازمانی، موانع، تعاونی توسعه روستایی.

۱- دانشیار گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زنجان

۲- استاد دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران

۳- دانش آموخته کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه زنجان

(*- نویسنده مسئول: rohollahrezaei@yahoo.com)

مقدمه

مهم‌ترین دستاوردهای اقتصادی و اجتماعی انسان‌ها حاصل مشارکت بوده است؛ از جمله شکل‌های حقوقی مشارکت که در مقایسه با سایر اشکال آن تأکید بیشتری بر جنبه‌های انسانی دارد، شکل‌گیری و فعالیت انسان‌ها در قالب سازمان‌های تعاونی است (وزارت تعاون، ۱۳۸۷). شرکت‌های تعاونی به سبب قائل شدن نقش فعال و مشارکت‌دادن اعضای خود در تمامی مراحل، به کانون‌های اصلی تبلور مشارکت اشتها یافته‌اند. تعاونی‌ها امکانات و ظرفیت‌های بالقوه‌ای در فراهم ساختن شرایط پایدار اقتصادی دارند که سبب شده است بخش قابل توجهی از اقتصاد در جهان محسوب شوند و تأمین‌کننده توسعه پایدار باشند (سرمدست، ۱۳۹۰). در این میان، تعاون‌های روستایی از ضرورت و جایگاه ویژه‌ای برخوردارند، زیرا نقش تعاونی‌های روستایی در توسعه روستایی بسیار مهم است و با توجه به اینکه در بیشتر مناطق دنیا، روستاها به‌دلیل گوناگون از جمله فقر مورد توجه خاص هستند، اندیشمندان و سیاست‌گذاران توجه خاصی را به امر توسعه روستایی و رفع مشکلات و معضلات آنها از طریق توسعه تعاونی‌های روستایی کرده‌اند (فاضل‌بیگی و یآوری، ۱۳۸۸). در واقع، اکثر کشورهای جهان مکتب تعاونی را بهترین راه برای پیشرفت و عمران روستاها و توسعه آنها در ابعاد و زمینه‌های مختلف دانسته‌اند (لطیفیان، ۱۳۸۴). در ایران نیز بر اساس سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، پیش‌بینی شده است در سال ۱۳۹۳ سهم بخش تعاون از اقتصاد کشور به ۲۵ درصد برسد، لیکن بر اساس تحقیقات انجام شده در سال‌های اخیر، شرکت‌های تعاونی از جمله تعاونی‌های توسعه روستایی با مسائل و مشکلات عدیده‌ای اعم از ساختاری، محیطی/زمینه‌ای، آموزشی، قانونی و دیگر موارد مواجه شده و نتوانسته‌اند در مسیر و قالب پیش‌بینی شده حرکت نموده و به اهداف مشخص شده در سند چشم‌انداز بیست ساله کشور دست یابند (رضائی و همکاران، ۱۳۹۰). در واقع علیرغم توجه جدی به نقش تعاونی‌های توسعه روستایی و رشد کمی نسبتاً مناسب، این تعاونی‌ها رشد کیفی مطلوبی نداشته‌اند و به‌خوبی نقش خود را ایفا نکرده‌اند (حسین‌پور و زارعی‌وش، ۱۳۸۹). به هر حال بدیهی است اگر بخش تعاون به‌طور اعم و تعاونی‌های توسعه روستایی به‌طور اخص بخواهند به اهداف مطرح در قانون اساسی و در واقع شرایط ایده‌آل دست یابند، لازم است به‌بهبود عملکرد تعاونی، ایجاد فرهنگ سازمانی کارآفرینانه، رفع موانع ساختاری، دستیابی به ترکیب اعضای مناسب و مانند این‌ها توجه جدی نمایند (دنیایی و همکاران، ۱۳۸۹). در این زمینه، بسیاری از محققان و صاحب‌نظران بر این باورند که توسعه کارآفرینی در شرکت‌های تعاونی در قالب کارآفرینی سازمانی می‌تواند نقش اساسی را در کمک به تعاونی‌ها جهت دستیابی به اهدافشان ایفا نماید (حسین‌پور و زارعی‌وش، ۱۳۸۹) و اهرم نیرومندی برای برون‌رفت از شرایط نامطلوب کنونی باشد (انصاری و سلمانی‌زاده، ۱۳۸۸).

با توجه به ماهیت شرکت‌های تعاونی توسعه روستایی و نقش عمده‌ای که این تشکل‌ها می‌توانند در دستیابی به توسعه پایدار روستایی داشته باشند، تشکیل و راه‌اندازی آنها طی چند سال اخیر در مناطق روستایی استان زنجان نیز مورد توجه قرار گرفته است، به نحوی که در حال حاضر ۸۰ تعاونی توسعه روستایی با داشتن ۱۰۵۹۶ عضو، در شهرستان‌های مختلف استان زنجان در حال فعالیت می‌باشند. سرمایه ثابتی این شرکت‌ها ۹۵۱/۲۱ میلیون ریال می‌باشد که پیش‌بینی شده بود پس از تشکیل بتوانند از طریق فراهم ساختن بسترها و زمینه‌های لازم برای توسعه کارآفرینی و اشتغال‌زایی در زمینه‌های مختلف در سطح مناطق روستایی، در حدود ۲۰۱۹ فرصت شغلی را ایجاد نمایند (اداره کل تعاون استان زنجان، ۱۳۹۰)؛ ولی علیرغم گذشت چند سال از فعالیت این تعاونی‌ها، و اهمیت و تأکید بسیاری که در تشکیل آنها وجود داشت، بنابه دلایل مختلف این موضوع تا حدود زیادی محقق نگردیده و مدیران و اعضای تعاونی‌ها همواره با مسائل و مشکلات متعددی در ابعاد مختلف اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، سازمانی، ساختاری و غیره بر سر راه اشتغال‌زایی و توسعه کارآفرینی مواجه بوده‌اند که در صورت ادامه می‌توانند موجب از بین رفتن و اتلاف منابع و حتی اختلال در استمرار فعالیت

تعاونی‌های توسعه روستایی شوند. به هر حال، در این راستا همانطور که اشاره شد یکی از راهکارهای مهم به‌منظور کمک به تعاونی‌ها برای حرکت پویا در مسیر توسعه روستایی و دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده، توسعه کارآفرینی در قالب کارآفرینی سازمانی در شرکت‌های تعاونی می‌باشد، هرچند در این زمینه به نظر می‌رسد موانع و مشکلات متعددی وجود دارد. از این رو، پرسش اساسی این تحقیق این بود که در حال حاضر مهمترین موانع توسعه کارآفرینی سازمانی در شرکت‌های تعاونی توسعه روستایی در استان زنجان کدامند؟ بر این اساس، این تحقیق با هدف اصلی شناسایی و تحلیل موانع توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های توسعه روستایی استان زنجان طرح و انجام گرفت.

پیشینه تحقیق

امروزه صاحب‌نظران بین‌المللی بر این عقیده‌اند که به‌طور ویژه و مشخص باید به امر توسعه روستاها و ریشه‌کنی فقر گسترده موجود در آن‌ها پرداخت؛ در این میان، مقوله تعاون روستایی و کارآفرینی روستایی جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارند (فاضل بیگی و یآوری، ۱۳۸۸). در جوامع روستایی نه با اعمال زور می‌توان روستاییان را وادار به مشارکت مستمر در اداره امور روستا نمود و نه با تطمیع از طریق اعطای امتیازهای مادی؛ تنها راه ترغیب روستاییان به مشارکت در اداره امور روستا عبارت است از تفهیم لزوم و فایده همکاری و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های حیاتی روستا (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۰). در واقع، یکی از مناسب‌ترین ساختارها و سازمان‌هایی که می‌تواند کارآفرینان را در خود جای دهد و آنان را به سر منزل مقصود برساند، بخش تعاونی است؛ زیرا بیشتر نیروهای بیکار جامعه فعلی ایران بویژه تحصیل کرده‌ها و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها فاقد سرمایه کافی برای آغاز فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد منبع درآمد و زمینه شغلی می‌باشند (دهباشیان و همکاران، ۱۳۹۰). در ارتباط با دلایل تمایل تعاونی‌ها برای توسعه کارآفرینی، یافته‌ها نشان می‌دهند که تمامی شرکت‌ها به تعاونی کارآفرین نیاز ندارند؛ بعضی از شرکت‌ها کسب و کار خود را به نحو احسن و مؤثر و برنامه‌ریزی شده به‌پیش می‌برند، اما بعضی دیگر به یک شوک و القای خلاقیت نیاز دارند. خصوصاً اگر آنها در محیط‌های نا آرام و محیط‌هایی که دچار تغییرات سریع و آنی شده‌اند کار می‌کنند، زیرا چنین محیط‌هایی غیرقابل پیش‌بینی هستند و برنامه‌یزی برای آنها مبهم است. خودباوری، ریسک‌پذیری، انگیزه پیشرفت، خلاقیت و غیره از ویژگی‌های کارآفرینی در بخش تعاونی است و انتظار می‌رود که با وجود مشکلات محیطی، موانع فعالیت را از سر راه بردارند. در واقع، تعاونی‌ها که ارزش‌افزایی اجتماعی آن‌ها به‌خوبی شناخته شده است و بستری برای اقدام جمعی به‌حساب می‌آیند، به‌خوبی با کارآفرینی هم‌سو و سازگار هستند (عباسی و همکاران، ۱۳۸۸). تعاون بستر مناسبی برای کارآفرینی و کارآفرینی به منزله یکی از پیش‌شرط‌های موفقیت تعاونی بوده و میان این دو رابطه محکمی وجود دارد. تعاونی می‌تواند با بهره‌گیری از فاکتورهای کارآفرینی مانند خلاقیت، نوآوری، شناسایی و بهره‌گیری از فرصت‌ها و ریسک‌پذیری موفق‌تر عمل کند. تعاونی کارآفرین، شرکتی است اقتصادی-اجتماعی، پویا، انعطاف‌پذیر و متشکل از افرادی با اعتماد به نفس بالا، خلاق، ریسک‌پذیر، فرصت‌گرا، پرتلاش و پشتکار و متعهد که بر مبنای تعاون و همیاری و دموکراسی تشکیل می‌گردد. از آنجا که مطالعات مختلف بیانگر این مطلب است که یکی از مهمترین اهداف توسعه اقتصادی، اشتغال‌زایی است و مهمترین سازوکار آن، کارآفرینی و ایجاد تعاونی است، تقویت ظرفیت فرهنگ تعاون و نظام تعاونی در یک جامعه (از جمله مهارت‌ها و انگیزه‌های استفاده از فرصت‌ها)، تأثیر به‌سزایی در ارتقای سطح فعالیت‌های کارآفرینی خواهد داشت (فاضل بیگی و یآوری، ۱۳۸۸).

از سوی دیگر، کارآفرینی سازمانی، به‌عنوان یکی از شاخه‌های اصلی کارآفرینی، بدون شک سهم چشم‌گیری در توفیق و تعالی سازمان‌ها (از جمله تعاونی‌ها) دارد (احمدپور داریانی، ۱۳۸۳) و می‌تواند پویایی سازمانی را با ارایه روش‌های جدید و ایجاد مزیت نسبی به ارمغان بیاورد (جهانگیری و مبارکی، ۱۳۸۸). کارآفرینی سازمانی مجموعه فعالیت‌هایی است که بهره-

برداری از مزایای رقابتی نوآوری در یک شرکت/ سازمان خاص را امکان‌پذیر نموده و رهیافتی در نهادینه کردن نوآوری در سازمان‌هاست (ایمانی‌پور و زیودار، ۱۳۸۷). در کارآفرینی سازمانی، یک شرکت/سازمان با ایجاد محیط و فرهنگ کارآفرینانه به اعضای خود کمک می‌نماید تا در امور کارآفرینی مشارکت نموده و طی آن محصولات و خدمات نوآورانه به مشتریان خود ارائه دهند (احمدپور داریانی و مقیمی، ۱۳۸۵). کارآفرینی سازمانی، سازمان‌ها را برای دستیابی به هدف‌هایی مانند کسب دانش برای دستیابی به درآمد بیشتر (سیدجوادی و همکاران، ۱۳۹۰)، موفقیت در سطح بین‌المللی (موریس و همکاران^۱، ۲۰۰۷)، القای روحیه نوآوری و خلاقیت به کارکنان، بهبود سطح کیفیت تولیدات و خدمات و در نتیجه افزایش رضایت‌مندی ارباب رجوعان (کوبین و میلز^۲، ۱۹۹۹)، ایجاد فضای مناسب برای ظهور کارآفرینی (طلایی، ۱۳۹۰) و در نهایت کارآفرین شدن سازمان کمک می‌نماید (یدالهی فارسی و همکاران، ۱۳۸۸). به هر حال، با در نظر گرفتن اهمیت کارآفرینی سازمانی و لزوم تقویت و توسعه آن در سازمان‌های مختلف به‌ویژه تعاونی‌های توسعه روستایی از یک‌سوی و موانع فراروی سازمان‌ها برای توسعه این نوع از کارآفرینی از سوی دیگر، مطالعات و پژوهش‌های گوناگونی در داخل و خارج از کشور برای شناسایی این موانع و آرایه راهکارهای مناسب جهت توسعه کارآفرینی سازمانی انجام گرفته‌است که در ادامه به‌طور خلاصه به نتایج برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

رضائی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی موانع توسعه کارآفرینی در تعاونی‌های دهیاری استان زنجان را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند. نتایج به‌دست آمده از تحلیل عاملی نشان داد که از دیدگاه پاسخگویان موانع توسعه کارآفرینی در تعاونی‌های دهیاری در چهار عامل ساختاری، زمینه‌ای، روان‌شناختی و فردی - حرفه‌ای قرار می‌گیرند که این چهار عامل در مجموع در حدود ۵۹/۰۹ درصد از کل واریانس موانع توسعه کارآفرینی در تعاونی‌های دهیاری را تبیین می‌نمایند. دنیایی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان بررسی راهکارهای تقویت کارآفرینی در تعاونی‌های تولیدی کشاورزی استان زنجان به این نتیجه دست یافت که مهم‌ترین موانع کارآفرینی در تعاونی‌های مورد مطالعه شامل فقدان سرمایه کافی، عدم حمایت مستمر و برنامه‌ریزی شده دولت از تعاونی‌ها، عدم حمایت مالی مناسب از تعاونی‌های تازه تأسیس، نامناسب بودن زیرساخت‌ها، ارتباط ضعیف بین دانشگاه‌ها و تعاونی‌ها، بودند. در مطالعه دیگری، حسین‌پور و زارعی‌وش (۱۳۸۹) در بررسی الگوی کارآفرینی سازمانی اداره کل تعاون استان تهران مشخص نمودند که برای افزایش کارآفرینی سازمانی، ساختارهای ارگانیک و پویا با ویژگی‌هایی چون لایه‌های ساختاری کمتر، انعطاف‌پذیری ساختاری، تمرکز پایین و پیچیدگی کمتر، جلوگیری از قوانین و مقررات دست و پاگیر، توانمندسازی دیگران، بهادادن به افراد خلاق و نوآور باید مورد توجه قرار داده شود. شادمانی و کرمی (۱۳۸۹) در تحقیق خود به بررسی موانع کارآفرینی سازمانی در شرکت‌های دولتی و ارائه راهکارهایی جهت رفع آن‌ها پرداخته‌اند. بر اساس نتایج تحقیق، پنج دسته موانع ساختاری، سبک و نگرش مدیران، عدم وجود فرهنگ سازمانی کارآفرینانه، شیوه‌های نادرست پاداش و حقوق و مسائل آموزشی به‌ویژه نبود آموزش‌های کارآفرینی، به ترتیب مهم‌ترین موانع کارآفرینی سازمانی در شرکت‌های مورد مطالعه بودند. نتایج تحقیق کردنائیچ و همکاران (۱۳۸۶) نشان داد که فرهنگ سازمانی محافظه‌کارانه، توجه به سودهای کوتاه‌مدت، اعمال کنترل شدید و شیوه‌های نادرست تشویق و ارائه پاداش، از موانع اساسی کارآفرینی سازمانی در شرکت صنعت چوب شمال بودند.

کراسنیکی^۳ (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای به بررسی موانع توسعه کارآفرینی در شرکت‌های تجاری کوچک و متوسط در کشور

1- Morris et al

2- Covin and Miles

3- Krasniqi

کوزوو پرداخته است. بر اساس نتایج تحقیق، مهم‌ترین موانع کارآفرینی در این شرکت‌ها شامل محیط اقتصادی نامساعد کسب و کار، محدودیت‌های قانونی، پایین بودن سطح دانش و مهارت شغلی اعضا، نبود بسترهای لازم برای فعالیت گروهی و تیمی، پایین بودن سطح آشنایی اعضا به ویژه مدیران با ماهیت کارآفرینی و اهمیت آن بودند. در تحقیق دیگری، مقیمی^۱ (۲۰۰۷) نشان داد که مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های صنعتی در ایران در سه دسته موانع ساختاری، رفتاری و محیطی/زمینه‌ای طبقه‌بندی می‌شوند. به همین منوال، بیتزنس و نیتو^۲ (۲۰۰۵)، قوانین سخت‌گیرانه بانک‌های دولتی و خصوصی در پرداخت وام‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت به شرکت‌های کوچک تجاری، کمبود آموزش مهارت‌های کارآفرینی برای مدیران و اعضای شرکت‌ها، پایین بودن مهارت‌های ارتباطی مدیران برای برقراری ارتباط با شرکت‌های پیش‌رو، پایین بودن سطح دانش و تخصص مدیران و اعضای شرکت‌ها برای ارائه مشاوره فنی، ساختار بالا به پایین و بوروکراتیک شرکت‌ها را از موانع مهم توسعه کارآفرینی در شرکت‌های کوچک تجاری در کشور آلبانی عنوان کرده‌اند. مارتینس^۳ (۲۰۰۴)، در پژوهش خود موانع کارآفرینی در شرکت‌های کوچک تجاری را مورد بررسی قرار داده است. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که موانع کارآفرینی در شرکت‌های تجاری کوچک در سه دسته موانع نظارتی (شامل نبود مشوق‌ها و حمایت‌های دولتی، اعمال نظارت‌های شدید در رابطه با صدور مجوزها، نحوه نظارت بر شرکت‌ها)، موانع فرهنگی - اجتماعی (شامل ترس از شکست و نبود دانش و مهارت‌های کارآفرینی در اعضای شرکت‌ها) و موانع مالی و اقتصادی (شامل نداشتن سرمایه کافی و عدم تأمین سرمایه در دراز مدت) قرار می‌گیرند.

مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر از لحاظ میزان و درجه کنترل متغیرها، غیرآزمایشی و توصیفی، از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، میدانی و در نهایت به لحاظ قابلیت تعمیم یافته‌ها، از نوع پیمایشی محسوب می‌شود. جامعه آماری این پژوهش را تمامی اعضای اصلی هیأت مدیره در ۶۷ تعاونی توسعه روستایی فعال در سطح استان زنجان تشکیل می‌دادند^۴ که تعداد آن‌ها در حدود ۳۳۵ نفر بود (جدول ۱). برای تعیین حجم نمونه از جدول بارتلت و همکاران^۵ (۲۰۰۱) استفاده شد که بر اساس آن حجم نمونه آماری ۱۲۰ نفر بدست آمد که پس از توزیع پرسشنامه‌ها همانطور که در جدول ۱ آورده شده است در نهایت ۱۰۵ پرسشنامه وارد تحلیل گردید (نرخ بازگشت پرسشنامه = ۸۷/۵ درصد). برای دستیابی به نمونه‌ها، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب (شهرستان‌های مورد مطالعه به عنوان طبقات) بهره گرفته شد که پس از محاسبه، تعداد نمونه‌های زیر به شرح جدول ۱ به هر یک از شهرستان‌ها اختصاص یافت؛ در وهله بعد، با مراجعه به چارچوب نمونه، تعداد اعضای مورد نظر در هر یک از طبقات به صورت تصادفی انتخاب و داده‌های مورد نیاز از طریق آن‌ها گردآوری شد.

ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق پرسشنامه بود که از دو بخش مشخصه‌های فردی و حرفه‌ای پاسخگویان (شامل پنج متغیر) و دیدگاه پاسخگویان مورد مطالعه در خصوص میزان اهمیت هر یک از موانع توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های توسعه روستایی (شامل ۲۸ متغیر بر حسب طیف لیکرت پنج سطحی، از خیلی کم = ۱ تا خیلی زیاد = ۵) تشکیل شده بود که این متغیرها از طریق بررسی و مرور گسترده ادبیات نظری در حیطه مسئله مورد پژوهش به ویژه پژوهش‌های

1- Moghimi

2- Bitzenis and Nito

3- Martins

۴- تعاونی‌های توسعه روستایی در شهرستان‌های زنجان، خدابنده، خرمدره و ابهر راه‌اندازی شده و تشکیل آنها در شهرستان‌های طارم، ماهنشان و ایجرود در برنامه اجرا قرار دارد.

5- Bartlett et al.

صورت گرفته در داخل و خارج از کشور و نیز مصاحبه حضوری و نیمه ساختارمند با متخصصان و پژوهشگران در این باره شناسایی و استخراج شده بودند. اعتبار محتوایی پرسشنامه با نظر پانل متخصصان و کارشناسان در زمینه موضوع مورد پژوهش مورد تأیید قرار گرفت و برای تعیین قابلیت اعتماد ابزار تحقیق پیش‌آزمون (شامل ۳۰ نفر خارج از نمونه اصلی) انجام گرفت که مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده برای مقیاس اصلی پرسشنامه شامل میزان اهمیت موانع توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های توسعه روستایی ۰/۷۹ بود که بر اساس نظر پدهاورز^۱ (۱۹۸۲) ضریب پایایی اشاره شده قابل قبول بود. تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم افزار SPSSWin21 صورت گرفت و نتایج تحقیق در دو بخش توصیفی (شامل فراوانی، درصد فراوانی، میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات) و استنباطی (شامل تحلیل عاملی) ارائه گردید.

جدول ۱. تعداد کل اعضای اعضای هیأت مدیره مورد مطالعه و نمونه‌های اختصاص یافته به هر یک از طبقات

نام شهرستان	تعداد تعاونی‌های توسعه روستایی فعال	تعداد اعضای هیأت مدیره	تعداد نمونه اختصاص یافته	تعداد پرسشنامه تحلیل شده
زنجان	۲۲	۱۱۰	۳۹	۳۴
خدابنده	۳۲	۱۶۰	۵۷	۴۹
ابهر	۱۰	۵۰	۱۹	۱۷
خرمدره	۳	۱۵	۵	۵
جمع	۶۷	۳۳۵	۱۲۰	۱۰۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج و بحث

مشخصه‌های فردی - حرفه‌ای پاسخگویان

نتایج تحقیق نشان داد که میانگین سن پاسخگویان مورد مطالعه ۳۴/۷۱ سال، بیشینه آن ۷۰ سال و کمینه آن ۱۹ سال بود. بر اساس نتایج به دست آمده، ۳۸/۲ درصد از پاسخگویان به طور همزمان شغل کشاورزی و دامداری، ۱۷/۶ درصد کشاورزی، ۹/۸ درصد دامداری و ۳۴/۳ درصد نیز دارای سایر مشاغل بودند. با توجه به نتایج تحقیق مشخص شد که میانگین سابقه فعالیت پاسخگویان در تعاونی ۳/۷۵ سال و بیشترین درصد فراوانی (۵۸/۳۱ درصد) مربوط به اعضای بود که بین ۳ الی ۴ سال سابقه فعالیت در تعاونی توسعه روستایی داشتند. به لحاظ شرکت در دوره‌های آموزش کارآفرینی در تعاونی، نتایج تحقیق حاکی از آن بود که ۹۴/۳ درصد از اعضا تاکنون در هیچ دوره آموزشی در زمینه کارآفرینی در تعاونی شرکت نکرده بودند. همان طور که از نتایج جدول ۲ مشخص است از نظر سطح تحصیلات، بیشترین درصد فراوانی (۴۴/۲ درصد) مربوط به اعضا با سطح تحصیلات دیپلم بود. نکته قابل توجه این بود که در مجموع ۷۷/۹ درصد از پاسخگویان از تحصیلات دیپلم و پایین تر برخوردار بودند.

جدول ۲. توزیع فراوانی پاسخگویان مورد مطالعه بر حسب سطح تحصیلات

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی
ابتدایی	۱۷	۱۶/۳
راهنمایی	۱۸	۱۷/۳
دیپلم	۴۶	۴۴/۲
فوق دیپلم	۱۲	۱۱/۵
کارشناسی و بالاتر	۱۱	۱۰/۶
جمع	۱۰۴	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

اولویت‌بندی موانع توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های توسعه روستایی

نتایج حاصل از اولویت‌بندی گویه‌های مرتبط با موانع توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های توسعه روستایی از دیدگاه پاسخگویان در جدول ۳ آورده شده است. بر اساس نتایج کسب شده، از نظر پاسخگویان چهار گویه، قوانین سخت-گیرانه بانک‌های دولتی و خصوصی در پرداخت تسهیلات به تعاونی‌ها، نبود سرمایه کافی در تعاونی‌ها و عدم دسترسی آن-ها به منابع مالی و اعتبارات لازم، ضعف قوانین مرتبط با نیروی کار و نبود بسترهای لازم در تعاونی‌ها برای فعالیت‌های گروهی و تیمی، در مقایسه با سایر گویه‌ها دارای بیشترین میزان اولویت بودند. همچنین، سه گویه بسته بودن مرزهای سازمانی و ارتباطات برون سازمانی ضعیف تعاونی‌ها، نبود سیستم‌های تشویقی و انگیزشی مناسب برای ترغیب اعضای تعاونی به فعالیت‌های کارآفرینانه، پایین بودن سطح تحصیلات اعضا و مدیران تعاونی‌ها، از نظر پاسخگویان کمترین میزان اولویت را داشتند.

تحلیل عاملی موانع توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های توسعه روستایی

به منظور تشخیص مناسب بودن داده‌های مربوط به مجموعه متغیرهای مورد تحلیل در خصوص موانع توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های توسعه روستایی استان زنجان، از آزمون بارتلت و شاخص KMO بهره گرفته شد. معنی-داری آزمون بارتلت در سطح اطمینان ۹۹ درصد و مقدار مناسب KMO (جدول ۴)، حاکی از همبستگی و مناسب بودن متغیرهای مورد نظر برای انجام تحلیل عاملی بود.

عامل‌های استخراج شده مجموعه (موانع توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های توسعه روستایی استان زنجان) مورد تحلیل، همراه با مقدار ویژه درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی در جدول ۵ آورده شده است. البته لازم به ذکر است که به منظور استخراج و دسته‌بندی عامل‌ها، از ملاک کیسر استفاده گردید و عامل‌هایی مد نظر قرار گرفت که مقدار ویژه آنها از یک بزرگتر بوده است. با توجه به اطلاعات مندرج در این جدول عامل نخست از بین شش عامل استخراجی، عامل اول تحت عنوان ساختاری با مقدار ویژه ۳/۰۱۵ تبیین کننده ۱۴/۳۵ درصد واریانس کل مجموعه مورد تحلیل بود. پس از آن، عامل دوم با نام محیطی با مقدار ویژه ۲/۹۶۹ توانسته است ۱۴/۱۳ درصد واریانس مجموعه را تبیین نماید. عامل‌های سوم (شناختی-دانشی)، چهارم (نبود فرهنگ سازمانی اثربخش)، پنجم (ضعف حمایتی) و ششم (فردی) با مقادیر ویژه ۲/۴۲۹ و ۱/۸۰۱ و ۱/۶۵۵ و ۱/۰۲۹ به ترتیب در حدود ۱۱/۵۶ و ۸/۵۷ و ۷/۸۸ و ۴/۸۹ درصد واریانس کل را تبیین نموده‌اند.

جدول ۳. اولویت‌بندی موانع توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های توسعه روستایی

اولویت	متغیر	* میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۱	قوانین سخت‌گیرانه بانک‌های دولتی و خصوصی در پرداخت تسهیلات به تعاونی‌ها	۴/۳۷	۰/۶۷	۰/۱۵۳
۲	نبود سرمایه کافی در تعاونی‌ها و عدم دسترسی آن‌ها به منابع مالی و اعتبارات لازم	۴/۴۳	۰/۷۳	۰/۱۶۵
۳	ضعف قوانین مرتبط با نیروی کار	۴/۲۸	۰/۷۳	۰/۱۷۰
۴	نبود بسترهای لازم در تعاونی‌ها برای فعالیت‌های گروهی و تیمی	۴/۱۴	۰/۷۵	۰/۱۸۲
۵	نبود سیاست‌های دولتی مناسب برای حمایت از کارآفرینی در تعاونی‌ها	۴/۲۲	۰/۷۸	۰/۱۸۶
۶	نبود امنیت اقتصادی لازم برای گسترش و توسعه فعالیت تعاونی‌ها	۴/۲۹	۰/۸۱۱	۰/۱۸۸
۷	وجود سیستم نظارت و کنترل انعطاف ناپذیر (کنترل شدید) در تعاونی‌ها	۴/۰۲	۰/۷۷	۰/۱۹۳۰
۸	پایین بودن قدرت نوآوری، خلاقیت و ایده‌پردازی اعضا و مدیران تعاونی‌ها	۴/۱۵	۰/۸۰	۰/۱۹۳۷
۹	پایین بودن سطح دانش و تخصص و مهارت حرفه‌ای مدیران و اعضای تعاونی‌ها	۴/۱۴	۰/۸۲	۰/۱۹۸
۱۰	نبود روحیه ریسک‌پذیری در اعضا و مدیران تعاونی‌ها و ترس از شکست	۴/۱۲	۰/۸۳	۰/۲۰۲
۱۱	ضعف ارتباط تعاونی با دیگر سازمان‌ها و شرکت‌های مرتبط	۴/۰۱	۰/۸۲	۰/۲۰۵
۱۲	نبود یک سیستم ارزیابی عملکرد مناسب در تعاونی	۴/۰۴	۰/۸۴	۰/۲۰۷
۱۳	ساختار سازمانی بروکراتیک، رسمیت و تمرکز بالا در تعاونی‌ها	۴/۱۲	۰/۸۶	۰/۲۱۰
۱۴	پیچیدگی و حجم زیاد وظایف روزمره اعضا و مدیران تعاونی‌ها	۴/۰۸	۰/۸۶	۰/۲۱۲
۱۵	عدم آشنایی اعضا و مدیران تعاونی‌ها با فناوری‌های نوین به ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات	۳/۹۸	۰/۸۵	۰/۲۱۵۷۳
۱۶	کمبود نیروی انسانی متخصص و کارآفرین در تعاونی‌ها	۴	۰/۸۶	۰/۲۱۵۷۹
۱۷	نبود ارتباطات سازمانی اثربخش بین اعضا و مدیران تعاونی	۴	۰/۸۸	۰/۲۲۰
۱۸	شفاف نبودن روند تصمیم‌گیری‌ها و دخالت ندادن اعضا در آن	۴/۰۴	۰/۹۳	۰/۲۳۱
۱۹	نبود سیستم تفکر نظامند و کل نگر بین مدیران و اعضای تعاونی‌ها	۴/۱۲	۰/۹۶	۰/۲۳۴
۲۰	عدم حمایت مستمر و برنامه‌ریزی شده دولت از تعاونی‌ها	۳/۹۳	۰/۹۲	۰/۲۳۵
۲۱	نبود فرهنگ سازمانی کارآفرینانه در تعاونی‌ها	۳/۹۲	۰/۹۳	۰/۲۳۶
۲۲	عدم اعتماد اعضای تعاونی به یکدیگر و وجود اختلاف بین آن‌ها	۴	۰/۹۵	۰/۲۳۸
۲۳	نبود آموزش کارآفرینانه برای اعضا و مدیران تعاونی‌ها	۳/۸۳	۰/۹۲	۰/۲۴۰۰
۲۴	پایین بودن سطح آشنایی اعضای تعاونی به ویژه مدیران با ماهیت کارآفرینی و اهمیت آن	۴/۱۱	۰/۹۸	۰/۲۴۰۱
۲۵	پایین بودن سطح مهارت‌های ارتباطی اعضای تعاونی‌ها	۳/۹۷	۰/۹۸	۰/۲۴۹
۲۶	بسته بودن مرزهای سازمانی و ارتباطات برون سازمانی ضعیف تعاونی‌ها	۳/۷۵	۱/۰۳	۰/۲۷۵
۲۷	نبود سیستم‌های تشویقی و انگیزشی مناسب برای ترغیب اعضای تعاونی به فعالیت‌های کارآفرینانه	۳/۶۷	۱/۰۲	۰/۲۷۷
۲۸	پایین بودن سطح تحصیلات اعضا و مدیران تعاونی‌ها	۳/۴	۱/۲۳	۰/۳۵۸

مأخذ: یافته‌های تحقیق

* بر حسب طیف لیکرت ۵ سطحی (۱=خیلی کم تا ۵=خیلی زیاد)

جدول ۴. مقدار KMO و سطح معنی‌داری آزمون بارتلت

مجموعه مورد تحلیل	مقدار KMO	مقدار بارتلت	سطح معنی‌داری
موانع توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های توسعه روستایی	۰/۷۷	۱۱۲۵/۱۰۵۶	۰/۰۰۰

جدول ۵. عوامل استخراج شده همراه با مقادیر ویژه، درصد واریانس و درصد تجمعی آن‌ها

عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس	فراوانی تجمعی درصد واریانس
اول	۳/۰۱۵	۱۴/۳۵	۱۴/۳۵
دوم	۲/۹۶۹	۱۴/۱۳	۲۸/۴۸
سوم	۲/۴۲۹	۱۱/۵۶	۴۰/۰۴
چهارم	۱/۸۰۱	۸/۵۷	۴۸/۶۱
پنجم	۱/۶۵۵	۷/۸۸	۵۶/۴۹
ششم	۱/۰۲۹	۴/۸۹	۶۱/۳۸

مأخذ: یافته‌های تحقیق

به‌طور کلی، این شش عامل ۶۱/۳۸ درصد از واریانس کل را تبیین کرده‌اند که حاکی از میزان واریانس بالای تبیین شده توسط عامل‌های استخراج شده دارد.

وضعیت قرارگیری مجموعه متغیرهای مرتبط با موانع توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های توسعه روستایی استان زنجان، با توجه به عوامل استخراج شده با فرض واقع شدن متغیرهای دارای بار عاملی بزرگتر از ۰/۵ پس از چرخش عامل‌ها به روش واریماکس و نام‌گذاری عامل‌ها، در جدول ۶ آورده شده است. البته باید به این نکته اشاره نمود که پس از چرخش واریماکس، هفت متغیر شامل متغیرهای نبود فرهنگ سازمانی کارآفرینانه در تعاونی‌ها، نبود سیستم‌های تشویقی و انگیزشی مناسب برای ترغیب اعضای تعاونی به فعالیت‌های کارآفرینانه، بسته بودن مرزهای سازمانی و ارتباطات برون سازمانی ضعیف تعاونی‌ها، نبود یک سیستم ارزیابی عملکرد مناسب در تعاونی، شفاف نبودن روند تصمیم‌گیری‌ها و دخالت ندادن اعضا در آن، نبود سیستم تفکر نظام‌مند و کل‌نگر بین مدیران و اعضای تعاونی‌ها و ضعف قوانین و مقررات ناظر بر راه‌اندازی و توسعه کسب و کارهای جدید، به‌دلیل پایین بودن بار عاملی (کمتر از ۰/۵) و در نتیجه معنی‌دار نبودن همبستگی آن‌ها با دیگر متغیرها، از تحلیل حذف گردید.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

به‌طور کلی یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های توسعه روستایی استان زنجان با موانع و مشکلات متعددی در ابعاد و زمینه‌های مختلف روبرو بوده است که بر اساس نتایج تحلیل عاملی این موانع در شش دسته عوامل ساختاری، محیطی، شناختی-دانشی، نبود فرهنگ سازمانی اثربخش، ضعف حمایتی و فردی قرار گرفته و ۶۱/۳۸ درصد از کل واریانس موانع توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های توسعه روستایی مورد مطالعه را تبیین نمودند. با توجه به نتایج کسب شده، عامل نخست که وارد تحلیل عاملی شده و مقدار قابل توجهی از واریانس کل را به خود اختصاص داده است، عامل ساختاری می‌باشد. بر این اساس، بسیاری از مسائلی که مانع توسعه کارآفرینی سازمانی

در تعاونی‌ها می‌شوند، مربوط به مسائل درون سازمانی و در واقع ناشی از ساختار بروکراتیک و انعطاف ناپذیر آن‌ها می‌باشند. در این زمینه، تعاونی‌های مورد مطالعه از یک ساختار کاملاً غیر مشارکتی و بالا به پایین با رسمیت و تمرکز بالا برخوردار می‌باشند، به نحوی که اعضای تعاونی‌ها در اکثر تصمیم‌گیری‌ها دخالتی نداشته و اختیارات کافی نیز در انجام وظایف خود ندارند؛ این در حالی است که یکی از ویژگی‌های اصلی کارآفرینان استقلال در تصمیم‌گیری (استقلال طلبی) و ریسک‌پذیری است. همچنین در این تعاونی‌ها، به دلیل وجود سیستم نظارت و کنترل انعطاف‌ناپذیر، تا حدود زیادی فضای لازم برای ایده‌پردازی، خلاقیت و نوآوری بودن اعضا محدود شده است که این مسئله نیز به نوبه خود بر روی سطح کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌ها تأثیر منفی داشته‌است.

جدول ۶. متغیرهای مربوط به هر یک از عوامل و میزان بارهای عاملی بدست آمده از ماتریس چرخش یافته

عامل‌ها	متغیرها	بار عاملی
ساختاری	ساختار سازمانی بروکراتیک، رسمیت و تمرکز بالا در تعاونی‌ها	۰/۸۳۴
	نبود ارتباطات سازمانی اثربخش بین اعضا و مدیران تعاونی	۰/۷۸۶
	پیچیدگی و حجم زیاد وظایف روزمره اعضا و مدیران تعاونی‌ها	۰/۷۳۲
	وجود سیستم نظارت و کنترل انعطاف ناپذیر در تعاونی‌ها	۰/۶۶۷
	نبود ثبات دولتی کافی در حمایت از تعاونی‌ها	۰/۷۰۲
	عدم حمایت مستمر و برنامه‌ریزی شده دولت از تعاونی‌ها	۰/۶۳۴
محیطی	قوانین سخت‌گیرانه بانک‌های دولتی و خصوصی در پرداخت تسهیلات به تعاونی‌ها	۰/۶۰۱
	ضعف ارتباط تعاونی با دیگر سازمان‌ها و شرکت‌های مرتبط	۰/۵۳۴
	نبود امنیت اقتصادی لازم برای گسترش و توسعه فعالیت تعاونی‌ها	۰/۵۰۲
	پایین بودن سطح تحصیلات اعضا و مدیران تعاونی‌ها	۰/۷۱۱
شناختی - دانشی	پایین بودن سطح آشنایی اعضای تعاونی به ویژه مدیران با ماهیت کارآفرینی و اهمیت آن	۰/۶۳۹
	پایین بودن سطح دانش و تخصص و مهارت حرفه‌ای مدیران و اعضای تعاونی‌ها	۰/۵۶۷
	عدم آشنایی اعضا و مدیران تعاونی‌ها با فناوری‌های نوین به ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات	۰/۵۱۷
نبود فرهنگ سازمانی اثربخش	نبود بسترهای لازم در تعاونی‌ها برای فعالیت‌های گروهی و تیمی	۰/۶۵۵
	عدم اعتماد اعضای تعاونی به یکدیگر و وجود اختلاف بین آن‌ها	۰/۶۰۶
	ترس از شکست و نبود روحیه ریسک‌پذیری در اعضا و مدیران تعاونی‌ها	۰/۵۴۲
	نبود سرمایه کافی در تعاونی‌ها و عدم دسترسی آن‌ها به منابع مالی و اعتبارات لازم	۰/۶۲۱
ضعف حمایتی	کمبود نیروی انسانی متخصص و کارآفرین در تعاونی‌ها	۰/۵۳۲
	نبود آموزش کارآفرینانه برای اعضا و مدیران تعاونی‌ها	۰/۵۰۴
فردی	پایین بودن قدرت نوآوری، خلاقیت و ایده‌پردازی اعضا و مدیران تعاونی‌ها	۰/۵۲۱
	پایین بودن سطح مهارت‌های ارتباطی اعضای تعاونی‌ها	۰/۵۰۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق

به همین منوال، نبود ارتباطات سازمانی اثربخش بین اعضا و مدیران تعاونی سبب شده است تا جریان‌های اطلاعاتی و در نتیجه تبادل دانش و تجارب میان اعضای تعاونی با دشواری مواجه شده و سطح نوآوری و به دنبال آن کارآفرینی سازمانی تا حدود زیادی کاهش یابد. نتایج این بخش از تحقیق و اهمیت عامل ساختاری به‌عنوان یکی از موانع اصلی توسعه کارآفرینی سازمانی در مطالعات رضائی و همکاران (۱۳۹۰)، حسین پور و زارعی‌وش (۱۳۸۹)، شادمانی و کرمی (۱۳۸۹)، بیتزنیس و نیتو (۲۰۰۵) و مقیمی (۲۰۰۷) مورد تأکید قرار گرفته است.

با توجه به نتایج تحقیق، یکی از مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های توسعه روستایی استان زنجان مربوط به موانع محیطی بود. بررسی‌ها حاکی از آن است که محیط و بستر پیرامونی به ویژه دولت به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده در توسعه تمامی فعالیت‌های کارآفرینانه در سطوح فردی و سازمانی به‌شمار می‌رود (یدالهی فارسی و همکاران، ۱۳۸۷). سیستم آموزشی، ارابه تسهیلات و خدمات، حمایت اجرایی، قوانین مالیاتی و بانکی، مساعدت نسبت تعاونی‌های تازه تاسیس و مواردی از این دست، همگی حوزه‌هایی هستند که دولت با دخالت در آنها می‌تواند در جهت توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌ها مؤثر واقع شود. این درحالی است که بنا به دلایل مختلف تعاونی‌های توسعه-روستایی از حمایت مستمر دولت در ابعاد مختلف به ویژه پشتیبانی مالی و قانونی برخوردار نبوده و همواره در این زمینه با چالش اساسی مواجه بوده‌اند. نمونه بارز این مسئله را می‌توان در قوانین سخت‌گیرانه بانک‌های دولتی و خصوصی در پرداخت وام‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت به تعاونی‌ها به خوبی مشاهده نمود. نتایج این بخش از تحقیق با نتایج پژوهش‌های مختلفی همچون رضائی و همکاران (۱۳۹۰)، دنیایی (۱۳۸۹)، کراسنیک (۲۰۰۷) و مقیمی (۲۰۰۷) همخوانی دارد. بر اساس نتایج تحقیق، عامل بعدی که در تحلیل عاملی در اولویت سوم قرار گرفته است، موانع شناختی-دانشی بودند که در قالب آن بر روی مواردی مانند پایین بودن سطح تحصیلات اعضا و مدیران تعاونی‌ها، پایین بودن سطح آشنایی اعضای تعاونی به‌ویژه مدیران با ماهیت کارآفرینی و اهمیت آن، پایین بودن سطح دانش و تخصص و مهارت حرفه‌ای مدیران و اعضای تعاونی‌ها و عدم آشنایی اعضا و مدیران تعاونی‌ها با فناوری‌های نوین به ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات تأکید شده است. در این خصوص، همان‌طور که نتایج آمار توصیفی نشان داد بیش از سه چهارم اعضای تعاونی‌های توسعه روستایی مورد مطالعه از سطح تحصیلات دیپلم و پایین‌تر از آن برخوردار بودند. همچنین، ۹۴/۳ درصد از اعضا در هیچ دوره آموزشی در زمینه کارآفرینی در تعاونی شرکت نکرده بودند که در نتیجه آن، سطح آشنایی آنان با کارآفرینی و ضرورت توسعه آن در تعاونی بسیار پایین بود. به همین ترتیب، به دلیل پایین بودن سطح تحصیلات و تجربه و سابقه فعالیت پاسخگویان در تعاونی، اعضای مورد مطالعه دانش و تخصص و مهارت حرفه‌ای لازم را نداشتند. در مجموع، وجود چنین مشکلاتی در حوزه شناختی و دانشی سبب شده است تا سطح کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های توسعه روستایی تا حدود زیادی کاهش یابد. نتایج این بخش از تحقیق نیز با نتایج مطالعات کراسنیک (۲۰۰۷) و بیتزنیس و نیتو (۲۰۰۵) مطابقت دارد. افزون بر عوامل ساختاری، محیطی و شناختی-دانشی، بخش دیگری از موانع توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های توسعه روستایی استان زنجان که از طریق نتایج تحلیل عاملی به‌عنوان اولویت چهارم بر روی آن تأکید شده است، شامل نبود فرهنگ سازمانی اثربخش می‌باشد. در این زمینه، یکی از مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های توسعه روستایی، نبود بسترهای لازم در برای فعالیت‌های گروهی و تیمی است که این مسئله با ماهیت و فلسفه وجودی تعاونی‌ها که بایستی بر مبنای مشارکت و فعالیت‌های گروهی شکل گرفته باشند، در تضاد قرار دارد. بدون تردید، بخشی مهمی از این مسئله را می‌توان به فرهنگ سازمانی نامناسب حاکم بر تعاونی‌ها و مسائل روان‌شناختی به ویژه عدم اعتماد اعضای تعاونی به یکدیگر و وجود اختلاف بین آنها نسبت داد که سبب شده است تا افراد تمایل چندانی برای شرکت در کارهای گروهی و فعالیت‌های تیمی نداشته باشند. نتایج این بخش از تحقیق و اهمیت موانع مرتبط با نبود

فرهنگ سازمانی اثربخش در پژوهش‌های شادمانی و کرمی (۱۳۸۹)، کردنائیچ و همکاران (۱۳۸۶)، کراسنیک (۲۰۰۷) و مارتینس (۲۰۰۴) نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در نهایت، پس از چهار عامل اشاره شده، دو عامل ضعف حمایتی و موانع فردی به ترتیب در رتبه‌های پنجم و ششم از عوامل تبیین کننده موانع توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های توسعه روستایی استان زنجان قرار گرفته و کمترین میزان واریانس را به خود اختصاص داده بودند.

با در نظر گرفتن یافته‌های اصلی کسب شده از پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

۱- با توجه به نتایج تحلیل عاملی و میزان واریانس اختصاص یافته به موانع ساختاری، پیشنهاد می‌شود به منظور توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های توسعه روستایی استان زنجان، مواردی همچون پذیرش ریسک از سوی مدیران تعاونی‌ها به عنوان خصیصه‌ای مثبت، حمایت از طرح‌های آزمایشی کوچک نوآورانه در سطح تعاونی، استقبال از ایده‌های جدید اعضا، اعتقاد به مدیریت مشارکتی و فراهم سازی بسترهای لازم برای پیاده‌سازی آن، تحمل انحراف اعضا از قواعد و مقررات معمول در تعاونی، فعال و پویا نگه داشتن اعضا و تشویق آنان به ایده‌پردازی و ارائه فکرهای نو جهت بهبود اثربخشی و کارایی تعاونی، تجدیدنظر در ساختار سلسله مراتبی تعاونی‌ها و رفع موانع موجود در آن برای تسهیل مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری‌ها، مورد توجه بیشتری قرار گیرند.

۲- با توجه به وارد شدن موانع محیطی در تحلیل عاملی به عنوان عامل دوم و میزان واریانس اختصاص یافته به این عامل پیشنهاد می‌شود در راستای توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های توسعه روستایی استان زنجان مواردی مانند هدفمند نمودن حمایت‌های دولت از کارآفرینان بخش تعاون، اعطای معافیت‌های مالیاتی برای شرکت‌های تعاونی تازه تأسیس و تسهیل روند قانونی ثبت شرکت‌های کارآفرینانه، برخورداری اعضای کارآفرین از تسهیلات بانکی و امکانات ویژه، ارائه تسهیلات مالی و اعتباری کافی به تعاونی‌ها برای گسترش فعالیت‌هایشان، اصلاح قوانین و مقررات مرتبط و بهبود فضای کسب و کار، تدوین سازوکارهایی به منظور تعامل و ارتباط مؤثرتر بین تعاونی‌ها با دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، مورد توجه بیشتری قرار گیرند.

۳- با توجه به نتایج تحقیق و میزان واریانس اختصاص یافته به عامل شناختی - دانشی به عنوان عامل سوم، پیشنهاد می‌شود زمینه‌سازی لازم برای برگزاری دوره‌های آموزشی مستمر برای اعضای تعاونی و افزایش آگاهی و مهارت آن‌ها با هدف تقویت قدرت نوآوری و خلاقیت، برنامه‌ریزی و در مجموع مهارت‌های کارآفرینانه، مد نظر مدیران و برنامه‌ریزان قرار گیرد.

منابع

- احمد پورداریانی، م. و مقیمی، س. م. ۱۳۸۵. مبانی کارآفرینی. انتشارات فرا اندیش، تهران.
- احمدپور داریانی، م. ۱۳۸۳. کارآفرینی: تعاریف، نظریات، الگوها. انتشارات شرکت پردیس، تهران.
- اداره تعاون استان زنجان. ۱۳۹۰. گزارش عملکرد تشکیل تعاونی‌های توسعه‌روستایی و تعاونی‌های دهیاری. وزارت تعاون، اداره کل تعاون استان زنجان، معاونت امور تعاونی‌ها.
- انصاری، م. و سلمانی زاده، ع. ۱۳۸۸. نوآوری در سازمان‌ها بر مبنای کارآفرینی سازمانی. مجله راهبرد یاس، ۱۸: ۱۸۵-۱۶۷.
- ایمانی پور، ن. و زیودار، م. ۱۳۸۷. بررسی رابطه گرایش به کارآفرینی شرکتی و عملکرد (مطالعه موردی: نمایندگی‌های فروش شرکت سهامی بیمه ایران در شهر تهران). فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۱(۲): ۱۱-۳۴.
- جهانگیری، ع. و مبارکی، م. ۱۳۸۸. ارایه چارچوب ادراکی مناسب از کارآفرینی در بخش دولتی. فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۱(۳): ۳۵-۶۰.
- حسین پور، د. و زارعی وش، ف. ۱۳۸۹. الگوی کارآفرینی سازمانی (مطالعه موردی اداره کل تعاون استان تهران). فصلنامه تعاون، ۲۱(۴): ۱۷۱-۱۹۴.
- دنیایی، ح.، یعقوبی، ج. و رجایی، ی. ۱۳۸۹. عوامل مؤثر بر تقویت و توسعه کارآفرینی در تعاونی‌های کشاورزی استان زنجان. فصلنامه تعاون، ۲۱(۳): ۱۱۱-۱۲۵.
- دهباشیان، س.، سپید نام، ق.، کشتگری، م. و اکبریان، ر. ۱۳۹۰. تسهیلات تکلیفی بخش تعاون در ایجاد فرصت‌های شغلی طی برنامه سوم، مطالعه موردی استان خراسان رضوی. فصلنامه تعاون، ۵: ۱-۲۰.
- رضائی، ر.، ا. قلی‌فر، ا. و صفاء، ل. ۱۳۹۰. تحلیل موانع توسعه کارآفرینی در تعاونی‌های دهیاری استان زنجان. اولین همایش دانش محوری در مدیریت پایدار علوم کشاورزی و منابع طبیعی، ۳۱ اردیبهشت و ۱ خرداد ۱۳۹۰، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، ۱-۸.
- سرمست، ک. ۱۳۹۰. بررسی ظرفیت‌های اقتصادی اجتماعی تعاونی‌ها در برقراری توسعه پایدار. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۸: ۱۵۳-۱۲۳.
- سید جوادین، ر.، احمدی، ع. و خواجه‌ئیان، د. ۱۳۹۰. مدیریت دانش در شرکت‌های کوچک و کارآفرین: بررسی عوامل سازمانی تأثیرگذار در ایجاد و انتقال دانش در صنعت انفورماتیک ایران. فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۳(۱۱): ۲۷-۴۶.
- شادمانی، ک. و کرمی، س. ۱۳۸۹. بررسی موانع کارآفرینی سازمانی در شرکت‌های دولتی و ارایه راهکارهایی جهت رفع آنها. اولین کنفرانس سالانه مدیریت، نوآوری و کارآفرینی، ۲۷ و ۲۸ بهمن ۱۳۹۰، شیراز، ۱۰۷-۱۲۱.
- طلایی، ق. ۱۳۹۰. الگوی سنجش کارآفرینی شرکتی با توجه به شاخص‌های درون سازمانی و اثرگذاری آن بر کارآفرینی

- (مطالعه موردی: بنگاه‌های صنعت نساجی استان یزد). فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۳(۱۲): ۱۸۵-۲۰۳.
- عباسی، ر.، رسول‌زاده، ب. و عباسی، پ. ۱۳۸۸. عوامل مؤثر بر موفقیت و عدم موفقیت تعاونی‌های تولیدی استان اردبیل. فصلنامه تعاون، ۲۰(۲۱۰): ۷۱-۹۰.
- کردنائیج، ا.، اکبری، ح. و رضائیان، ع. ۱۳۸۶. بررسی موانع کارآفرینی سازمانی: مورد مطالعه، شرکت صنعت چوب شمال. فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۱(۳): ۱۴۱-۱۵۹.
- لطیفیان، ا. ۱۳۸۴. بررسی وضعیت شرکت‌های تعاونی کشاورزی استان خراسان در سازمان‌دهی نیروی انسانی پراکنده (ارائه راهکارهای مناسب). پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، ۵(۱۷): ۱۱۹-۱۴۴.
- میرزایی، آ.، میردامادی، س. م.، حسینی، س. م. و سجادی، ا. ۱۳۹۰. تأثیر ابزارهای ترویجی و منابع اطلاعاتی بر مشارکت کشاورزان استان گلستان در تعاونی‌های آب بران. فصلنامه تعاون، ۵(۲۲): ۱۲۷-۱۴۳.
- یدالهی فارسی، ج.، عزیزی زیارت، ا. و خواستار، ح. ۱۳۸۸. بررسی رابطه بین ساختار و کارآفرینی سازمانی (مطالعه موردی: بانک‌های خصوصی سطح شهر تهران). فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۲(۵): ۵۵-۸۰.
- Antoncic, B. 2007. Intrapreneurship: A comparative structural equation modeling study. *Industrial Management & Data Systems*, 107(3): 309- 325.
- Antoncic, B. and Hisrich, R. 2001. Intrapreneurship: Construct refinement and cross- cultural validation. *Journal of Business Venturing*, 16(1): 495- 527.
- Bartlett, J., Kotrlik, W. and Higgins, C. 2001. Organizational research: Determining appropriation sample size in survey research. *Information Technology, Learning, and Performance Journal*, 19(1): 43- 50.
- Bitzenis, A. and Nito, E. 2005. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 12(4): 564- 578.
- Covin, J. and Miles, M. 1999. Corporate entrepreneurship and the pursuit of competitive advantage. *Entrepreneurship: Theory and Practice*, 23(3): 47- 64.
- Krasniqi, B. 2007. Barriers to entrepreneurship and SMEs growth in transition: The Case of Kosovo. *Journal of Developmental Entrepreneurship*, 12(1): 37- 55.
- Martins, S. 2004. Barriers to entrepreneurship and business creation. European Entrepreneurship cooperation publication.
- Moghimi, M. 2007. Corporate entrepreneurship: Obstacles and alternatives (The Case of Industrial Corporations in Iran). *Journal of Entrepreneurship Research*, 1(2): 87- 119.
- Morris, M., Kuratko, D. and Covin, J. 2007. Corporate entrepreneurship and innovation (Second Edition). South-Western College Publisher.
- Pedhazur, E. 1982. Multiple regressions in behavioral research: Explanation and predication. New York, Reinhart & Winston. 822p.

Identifying and Analyzing the Barriers to Organizational Entrepreneurship Development in Rural Development Cooperatives in the Zanzan Province

Rohollah Rezaei^{1*}, Seyyed Mahmod Hosseini², Maryam Mohammadi Pabandi³

Received: January 17, 2015

Accepted: February 28, 2015

Abstract

The main purpose of this descriptive- correlative survey was to identify and analyze the barriers to organizational entrepreneurship development in rural development cooperatives of the Zanzan Province. The statistical population of the subjects under study consisted of all of the main members of administrative boards in the cooperatives of the Zanzan Province (N= 335). According to the Bartlett et al. (2001) table, a sample size of 120 was selected using a stratified random sampling technique. A questionnaire was used to collect data. A panel of experts confirmed the validity of the questionnaire. A pilot study was conducted to establish the reliability of the instrument. The Cronbach's alpha coefficient for the main scales of the questionnaire was higher than 0.75. The descriptive results showed that four variables had the highest priority. These include the strict rules for payment of loans by public and private banks to cooperatives; lack of adequate capital in the cooperatives and their lack of access to credit and financial resources; shortcomings in labor laws and lack of necessary context for group activities and team work in the cooperatives. The results of factor analysis revealed that four factors namely, structural, environmental, cognitive- knowledge, lack of effective organizational culture, lack of support and individual explained 61.38 percent of the total variances of the barriers to organizational entrepreneurship development in cooperatives.

Keywords: Organizational entrepreneurship, Barriers, Rural development cooperatives.

1 - Associate professor, University of Zanzan

2 - Full professor, University of Tehran

3 - M.Sc. Graduate, University of Zanzan

(*-Corresponding Author E-mail: rohollahrezaei@yahoo.com)